



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى...

نشریه عین

نشریه تخصصی مدرسه اسماء الحسنی

خرداد ماه ۱۴۰۵

سال دوم

شماره هفتم



طراحی و اجرا: گروه رسانه اسماء الحسنی

صفحه ۳- یادداشت سردبیر

صفحه ۴- علوم جدید؛ فرصت‌ها و تهدیدها

صفحه ۶- ما به دوران استعمار و وابستگی برنخواهیم گشت

صفحه ۸- قرآن نسخه تشکیل امت واحدۀ توحیدی

صفحه ۱۰- علمِ حیات‌آفرین

صفحه ۱۲- ظهور حقیقت در کلمه

صفحه ۱۴- چرخش آرام و پنهان در دل آسمان

یادداشت سردبیر

هاله مفیدی

می‌خواهی مرگ را در همین دنیا نشانت دهند؟ طلبش کن! همین قدر ساده! همین قدر آسان! وقتی تمام وجودت بخواهد که زنده بمیری و مرگ را با همین چشم‌های روی سرت تماشا کنی، خواهی مرد. دقیق و با جزئیات. لمسش می‌کنی. مرگ را زندگی می‌کنی. از ذره ذره مالت می‌گذری و کنارشان می‌گذاری برای دیدن مرگ. با دستان خودت مهیا می‌شوی برای رفتن. لحظه شماری می‌کنی. رغبتی بالاتر از این در وجودت نیست. همه چیز و همه کس را رها می‌کنی که فقط بتوانی بروی. تمام آن چه یک عمر برایش سعی کرده‌ای، برایش سخت دیده‌ای، دیگر هیچ اهمیتی ندارد. یک جا می‌ایستی و دیگر هیچ چیز نمی‌خواهی جز رفتن. اما اینجا خودت هم نمی‌دانی مرگ‌خواه شده‌ای! خودت هم نمی‌دانی پا در کدام مسیر گذاشته‌ای؟ این را تازه روز هشتم خواهی فهمید. روزی که اسمش را گذاشته اند «آب برای سفر جمع کردن». آب هم که می‌دانی مایه حیات است. «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» روزی که توشه بر می‌دارند برای زندگی. اما کدامین زندگی؟ نه همین که تا الان در حال نفس کشیدن در هوایش بودند. نه! یک زندگی دیگر. روز هشتم شروع می‌شود. کم کم جان می‌دهی. نترس هنوز زنده‌ای! ولی جان دادنت را می‌بینی. آنچه تا حالا همراهت بود هم باید بگذاری. خودت را باید ببری و سلاح مبارزه، واجیش همین است. دیگر هیچ چیز ضروری نیست برای دیدن مرگ. سنگ بر می‌داری که هر جا شیطان مانع دل کندنت شد، پیشانی‌اش را نشانه بگیری. هر جا شیطان ایستاد و گفت حالا بمان، فرصت برای مرگ همیشه هست، دهانش را از سنگ پر کنی. هر جا شیطان آمد و دارایی‌هایت را نشانت داد با سنگ آینه تمام قد داشته‌هایت را بشکنی و بمیری. آن وقت از دل روز نهم، از دل بودن و نشستن در بیابانی سوزان، از دل دیدن و شناختن خودت، خدایت را احساس می‌کنی. درک می‌کنی. شعور مرگ را می‌یابی. آن وقت که کندی و رفتی و شباطین را زمی کردی، آرزویت می‌شود برگردی و دور تنها دارایی حقیقی زندگی‌ات طواف کنی. آن وقت است که مرگ را چشیده‌ای و از دل آتش سوزان این کندن و رفتن، عیدی بیرون خواهد آمد که ابراهیم وار برای خدایش جهاد خواهد کرد.

دعوت می‌کنند به حج که با تک‌تک سلول‌های مرگ را لمس کنی. در درون خود می‌یابی که باید مجهز شوی، توشه برداری، دل بکنی، بروی و در همان بیابان بمانی. حالا عیدی مجتبی می‌شود که باید به وطن بازگردد و مجاهد شود به حق جهادش.

نوای دعوت ابراهیم در آسمان پیچیده، گوش جان باز کنید.

و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيُكُونَ الرُّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ

برای ایجاد رغبت به طلب بیعتی از جنس حج، حالا که در خرداد ماه طنین صدای ابراهیم پیچیده است.

پی نوشت:

علامه مصطفوی در کتاب التحقیق ذیل ریشه طوع، معنای استطاعت را اینگونه بیان کرده اند:

ما استطاعة: در اصل استطاعت و به معنای طلب طاعت است و طلب اعم است از اینکه با سؤال یا عمل یا به زبان حال یا طبیعت و تکوین باشد و معنای جامع همه اینها وجود چیزی است که عمل را اقتضا کند. پس معنای استطاعة: تحقق اقتضا، آمادگی و قرار گرفتن در مقام عمل به وظیفه و اطاعت امر است. در واقع استطاعت به معنای تحقق چیزی است که حصول چیزی را که فرد، مأمور و موظف به انجام آن است، اقتضا میکند؛ (یعنی توانایی)



علوم جدید؛ فرصت‌ها و تهدیدها

سیده زهرا طباطبائی

از زمانی که تصمیم بر انتشار نشریه گرفتیم یکی از ستون‌های ثابت نشریه را به بازخوانی بیانات رهبر عزیزمان، امام شهید سید علی خامنه‌ای اختصاص دادیم. می‌دانستیم که این مقال گنجایش تمامی بیانات رهبر فرزانه‌مان درباره علم را ندارد. چرا که ایشان هر سال دیدارهای متعددی با اقشار دانشگاهی و نخبگان علمی داشتند و بیاناتشان مشحون بود از نگاه‌ها، دغدغه‌ها، توصیه‌های راهبردی و... عمیق و ژرف و حتی بدیع و نو در حوزه علم و فناوری. صحبت‌هایی که شاید بدون اغراق ده‌ها سال زمان نیاز داشته باشد تا کسی به بررسی ابعاد آن بپردازد و راهبردی جامع برای جامه عمل پوشاندن طراحی و اجرا کند. با این حال، قصد داشتیم با این کار، انگیزش مضاعفی در خودمان و مخاطبانمان ایجاد کنیم برای مرور دغدغه‌های ولی‌مان در حوزه علم و فناوری و تجدید عهدی کنیم برای تحقق ایران اسلامی پیشرفته و لیبیکی عملی بگوییم و با قوتی بیشتر و سریع‌تر به دستاوردهای علمی دست یابیم. اما...

اما اینک با داغ سنگینی که از شهادت ایشان بر سینه‌مان سنگینی می‌کند، این ستون را ادامه می‌دهیم تا بگوییم همچنان بر عهدی که بستیم، هستیم. و همچنین، این ستون را دستاویزی قرار می‌دهیم برای تجدید عهدمان با سومین علمدار انقلاب اسلامی و خلف صالح ایشان، امام سید مجتبی خامنه‌ای.

بسم الله الرحمن الرحیم...

از سه شماره قبل نشریه، این ستون را به بیانات حضرت آیت الله شهید سید علی خامنه‌ای در دیدار با مسئولان و محققان ستاد توسعه علوم شناختی در سوم بهمن ماه سال ۱۳۹۷ اختصاص دادیم. ایشان در کل این دیدار به موضوع علوم جدید و پیشرفت‌ها، چالش‌ها و رویکرد صحیح نسبت به آن پرداختند.

۷. در شتاب بخشی به حرکت علمی از جان مایه بگذارید

و به شما دوستان، آقایان و کسانی که با شماها کار می‌کنند، دانشمندان، دانشجویان، پژوهشگران عرض می‌کنم باید شماها از جانتان مایه بگذارید یعنی باید خسته نشوید، باید به طور جدی دنبال بکنید؛ چون کار دست شما است، جلودار این کاروان و این قافله شما هستید و باید حرکت بکنید.

ببینید! یک مثال در ذهن من هست که اینجا یادداشت کرده‌ام تا به شما بگویم: فرهنگستان فرانسه یکی از مجموعه‌های علمی معروف و شاخص دنیا است؛ یعنی دویست سال است برترین دانشمندان فرانسه همیشه در فرهنگستان [هستند]؛ این فرهنگستان در وقتی تشکیل شده که دولت فرانسه یعنی کشور فرانسه، بیشترین تلاطم‌های دوران تاریخ خودش را داشته، یعنی دوران ناپلئون و



جنگ‌های گوناگونی که ناپلئون در اروپا می‌کرد؛ یک روز با ایتالیا، یک روز با اتریش، یک روز با آلمان، یک روز با روسیه، در آن وقت این فرهنگستان به وجود آمده و تشکیل شده، بنابراین می‌شود. ما امروز آن جور تلاطم‌ها را هم نداریم، آن جور مشکلات را هم نداریم و می‌توانیم پایه‌های علمی مستحکمی را در کشور بگذاریم، این یک نکته.

۸. شاگردی کنید، اما نه همیشه شاگرد بمانید و نه اعتماد کنید

یک نکته‌ی دیگر، دو توصیه است که من اینجا یادداشت کرده‌ام: یک توصیه این است که از همه‌ی توانایی‌های غربی‌ها و از همه‌ی امکانات آنها - که در این قضیه پیشرفته هستند و جلوتر از ما هستند - باید بتوانیم استفاده کنیم. ما از شاگردی کردن و یاد گرفتن هرگز پرهیز نمی‌کنیم، از اینکه شاگرد باشیم ننگمان نمی‌کند؛ آنچه ننگمان می‌کند، این است که همیشه شاگرد بمانیم؛ آن را نمی‌خواهیم؛ وَاَلَا آنچه را آنها دارند، باید یاد بگیریم. این توصیه‌ی اول.

توصیه‌ی دوم [اینکه] به توصیه‌های آنها و برنامه‌های آنها به هیچ وجه اعتماد نکنیم؛ این هم توصیه‌ی دوم. شما خب ملاحظه کردید که این کارکرد و کاربرد دانش‌های شناختی و به اصطلاح فناوری‌های شناختی، تمام عرصه‌های زندگی را دربرمی‌گیرد. خب اگر چنانچه یک کشوری که یک روزی به خودش حق داده که برود فلان کشور دیگر را با زور اسلحه در تحت سلطه دریاورد، حالا بخواهد از این دانش استفاده کند برای اینکه همان کشور را که یک روز با سلاح تصرف کرده، با این ابزار تصرف کند، این بعید است به نظر شما؟ بعید به نظر می‌آید؟ این جوری است دیگر، بنابراین به توصیه‌ی او بایستی با سوءظن نگاه کرد. کشورهایی که امروز بیشترین بخش این سرمایه را دارند یعنی آمریکا و بعضی کشورهای اروپایی، اینها بیشترین جنایت‌ها را در دنیا نسبت به بشریت انجام داده‌اند. این است دیگر.

حالا این آقا می‌خواهد در مرز مکزیک دیوار بکشد؛ خب این سرزمین‌هایی که در شمال مرز مکزیک قرار دارد، همه اینها مال مکزیک است، یعنی این کالیفرنیا، تگزاس، این ایالت‌های بزرگ، همه‌ی اینها مال مکزیک بوده و اصلاً مال مکزیک است؛ اینها را آمریکا با زور جنگ، با تفنگ، با آدمکشی از دست آنها گرفته و حالا می‌خواهد آنجا دیوار بکشد! بحث ترامپ هم نیست؛ بحث سیستم است، بحث مجموعه نظام و رژیم است. این سیستمی که می‌تواند یعنی به خودش حق می‌دهد که سرزمین یک کشوری را تصرف کند، آیا به خودش حق نمی‌دهد که بر روی ذهن آنها اثر بگذارد؟ شما گفتید که [این فناوری] می‌تواند اضطراب و ترس را برطرف کند؛ [آقا] می‌تواند اضطراب و ترس را هم ایجاد کند؛ می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها هم اثر بگذارد؛ اگر بتواند نمی‌کند این کار را؟ قطعاً می‌کند؛ یا آن کشورهای اروپایی؛ انگلیس یک جور فرانسه یک جور، بقیه یک جور؛ خب اینها سابقه بدی دارند در دنیا؛ ما بایستی همیشه به اینها [سوءظن داشته باشیم].

حالا به بنده می‌گویند شما سوءظن دارید؛ البته یقیناً من سوءظن دارم، [اصلاً] سوءیقین دارم، سوءظن نیست اما این سوءیقین یا سوءظن من، ناشی از توهم نیست، ناشی از واقعیات است. خب من جزئیات

۱. اشاره به قصد ساخت دیوار در مرز مکزیک و آمریکا توسط رئیس‌جمهور آمریکا



کارهای فرانسه در الجزایر را به دقت می‌دانم، کارهای انگلیس و فرانسه در شمال آفریقا را، در کشورهای مختلف آفریقایی را می‌دانم، عملکرد انگلیس در هند را می‌دانم که اینها چه جنایتهایی مرتکب شده‌اند، در چین همین جور، در بقیه نقاط دنیا همین جور؛ خب به این دولت‌ها، به این سیستم‌ها، به این نظام‌ها آیا می‌شود در برنامه‌ریزی‌های حساس و مهمی مثل علوم شناختی اعتماد کرد؟ نمی‌شود.

ادامه دارد، ان شاء الله

ما به دوران استعمار و وابستگی بر نخواهیم گشت

سیده زهرا طباطبایی

در مسئله هسته‌ای، فشاری که استکبار بر جمهوری اسلامی ایران وارد می‌کند، به دلیل مسائل نظامی نیست؛ زیرا آن‌ها می‌دانند که ما به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم و فتوای مقام معظم رهبری در خصوص حرمت سلاح هسته‌ای، موضع جمهوری اسلامی در این رابطه را مشخص کرده است. این فشار با هدف جلوگیری از بهره‌مندی ما از منافع فناوری هسته‌ای است.

چرا اتهام می‌زنند و مردم دنیا را از پیشرفت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌ترسانند که به دنبال تسلیحات هسته‌ای برای حمله به دیگران هستند؟ مگر ایرانیان در طول تاریخ به کدام همسایه خود و کدام کشور حمله کرده‌اند؟ جواب این سوالات در منافع بی‌شمار و اقتدار آفرین فناوری هسته‌ای و تأثیر شگفت‌انگیز آن در بهبود کیفیت زندگی در حوزه‌های مختلف نظیر بهداشت و درمان سرطان، کشاورزی، محیط زیست، اقتصاد و ارتقای سطح صنعت و تولید انرژی پاک است.

آنها به کشورهای همسایه ما در زمینه بهره‌مندی از فناوری هسته‌ای به نحوی کمک می‌کنند که وابسته آن‌ها باشند؛ ولی نمی‌خواهند ما مستقلاً در به‌کارگیری این فناوری ارزشمند که یک موهبت الهی است، پیشرفت کنیم. قطعاً اگر ما هم وابسته و تحت سیطره آن‌ها بودیم، به ما هم کمک می‌کردند. همانطور که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، برای اینکه به آن‌ها وابسته باشیم و به این وابستگی از روی بیچارگی عادت کنیم، در حال ساخت نیروگاه هسته‌ای برای ما بودند. اما به محض اینکه اعلام استقلال کردیم، فناوری هسته‌ای را برای ما غیرضروری اعلام کردند. اطمینان دارم اگر تابع و وابسته باشیم، باز هم برمی‌گردند و با همان رویکرد وابسته‌ساز، طرح‌های هسته‌ای خودشان را اجرا می‌کنند؛ اما به خوبی می‌دانند ما دیگر به دوران استعمار و وابستگی بر نخواهیم گشت. آنها بارها تلاش کرده‌اند و بارها ناامید شده‌اند.



یک دلیل دیگر هجمه سنگین بین‌المللی علیه توانایی‌های هسته‌ای ایران این است که دولت‌مداران کشورهای استعمارگر نمی‌خواهند برترین استعدادهای کشور به این صنعت بپیوندند. آن‌ها دانشمندان و نخبگان ما را ترور کرده‌اند که اراده ما را بشکنند؛ اما به فضل خداوند این اقدام آن‌ها نتیجه عکس داده و چنین حوادث تلخی، اراده ما را در این مسیر تقویت کرده است. محققان هسته‌ای، شبانه‌روز تلاش می‌کنند تا این دانش را به کار گیرند و برای ارتقای کشور به نسل بعد منتقل کنند. از شما مردم مؤمن می‌خواهم که برای موفقیت فرزندان جهادگر خود که با انگیزه، شور و شوق فراوان و علیرغم فشار سنگین، تهدید و اقدامات مخرب بیرونی در این عرصه خدمت می‌کنند؛ دعا کرده و از آن‌ها حمایت کنید.

بخشی از سخنرانی شهید فقهی در نماز جمعه شیراز در ۱۹ فروردین ۱۴۰۲

منبع: خانه هنر و رسانه پیشرفت



قرآن نسخه تشکیل امت واحده توحیدی

سیده زهرا رضوی

قرآن مخاطب خود را به قیام دعوت می‌کند؛ قیامی مؤثر در اجتماع، هشیارکننده و حیات‌بخش. تحقق چنین قیامی مستلزم آگاهی و شناخت از قواعد و احکام جاری بر انسان و جامعه است. بدون رجوع به قرآن و بهره‌مندی از آیات آن نمی‌توان چنین توفیقی داشت. برخی سوره‌ها در مکه و در دل مبارزه با مشرکین قریش نازل شد و نظام سازمان‌یافته شرک را برهم زد و برخی در مدینه نازل گردید و جامعه دینی را شکل داد و ساختار منسجم حکومت دینی را پدیدار کرد.

سوره‌های مکی در صدد هستند تا شکوفایی فطرت، باورهای توحیدی را به‌گونه‌ای در ما تثبیت کنند تا بتوانیم در برابر امواج سختی‌ها مقاومت کرده، از دشمنان نترسیده و با آمادگی کامل بلاها را به جان خریده و از راه خدا دست برنداریم.

به طور خاص سوره‌های مکی قدرت کشف حقایق به‌صورت منظومه‌ای را به ما عنایت کرده و سیر موضوعات حول یک موضوع مشخص را معلوم می‌نمایند و در نتیجه این امر امکان محقق کردن حقایق در سطح جامعه فراهم می‌شود.

شبکه‌سازی موضوعی چند سوره حول موضوعی یا موضوعاتی مشخص توان کشف حقایق بنیادی و کاربردی از هر یک از سوره‌ها را چندین برابر می‌کند. به برکت این اقدام مفاهیم از سوره‌ها دانسته می‌شود که تا قبل از شبکه‌سازی امکان کشف آن را نداشتیم. هر یک از سوره‌های مدنی بخشی از مجموعه‌ای منظم از حاکمیت دینی را تبیین می‌سازند. در این سوره‌ها موضوع سوره به مسائلی می‌پردازد که مسلمانان از نظر وضعیت حکومتی و حاکمیتی از ناحیه مردم با آن درگیر هستند. همچنین در این سوره‌ها به‌گونه‌ای بر

تقویت باورهای توحیدی و عمل صالح تأکید می‌شود که مؤمنین خود را مسئول هدایت دیگران بدانند و در این زمینه کوتاهی نکنند. زیرا کوتاهی آن‌ها منجر به ضعف اسلام در پیشبرد مقاصدش می‌شود و در اثر آن تبعات فراوانی به مردم و جامعه اسلامی وارد می‌شود. اسماء الحسنی در اغلب سوره‌های مدنی جایگاه بسیار بلندمرتبه‌ای دارد. مؤمنین با فهم این اسماء باید نواقص زندگی خود را برطرف کرده نور خدا را در زندگی خود تابانده و بر اثر آن این نور را به دیگران انتقال دهند. در جامعه‌سازی نظام ولایی شکل گرفته و توان انسان به واسطه احیای هویت جمعی‌اش به شدت در حال گسترش و فراگیری می‌شود.

از این‌رو دشمنان را به سرعت به رعب و تقابل جدی وادار می‌کند و جامعه از درون و بیرون به هجمه‌های کافرانۀ گرفتار می‌شود. براین اساس یکی از محورهای مهم در سوره‌های مدنی تحقق جهاد و مجاهدت و استمرار صبر و پایداری در راه خدا و بصیرت نسبت به دشمنان داخلی و خارجی و جبران عقب افتادگی‌هاست. طبیعی است شکل‌گیری ساختارهای جامعه و دستیابی به کمال اجتماعی نیازمند تلاش فراوان و قرار گرفتن در موقعیت‌های مختلف نزول وحی است. در این صورت هر قدر عمل اجتماعی و طهارت در حوزه‌های



جمعی بیشتر شود این موقعیت‌ها بیشتر خود را نشان می‌دهد و استعداد نزول خیرات و برکات بیشتر برای جامعه فراهم می‌گردد. به این نزول خیرات و برکات در فرهنگ دینی صلوات گفته می‌شود که در گرو ولایت‌مداری در مسیر حق و استمرار و پایمردی در آن است. براین اساس از مؤلفه‌های اصلی سوره‌های مدنی اطاعت از ولایت ولی الهی است. مطالعه منسجم سوره‌های مدنی و به دست آوردن حقایق این سوره‌ها و نیز اوامر و نواهی آن‌ها شیوه‌ای از جامعه‌سازی را آموزش می‌دهد که بر اساس آن در اثر پدیدار شدن صفات اجتماعی شایسته توان آن در بروز خیرات و نیز مقابله با شداید به شدت ارتقا می‌یابد. غایت حکومت دینی اینست که انسان‌ها را در بروز توحید، امت واحده گردانند. فرض بر این نیست که همگی انسان‌های حاضر در حکومت دینی انسان‌های رسیده به توحید کامل هستند. پس وجود نقص و ایراد و آسیب در حکومت دینی نشان از این دارد که خداوند اراده کرده است که همه انسان‌ها را در جامعه و امتی واحد گرد آورد و از این‌رو تدبیر الهی بر رفع و دفع همه این نقص‌ها و ایرادات قرار گرفته است.

برگرفته از درس ششم و هفتم گزیده‌ای از روش‌های تدبیر در قرآن



علم حیات آفرین

سیده زهرا رضوی

«یکی از چیزهایی که حیات طیبه را تأمین می‌کند، پیش‌رانی در علم و تمدن جهانی است. هرگاه یک ملتی بتواند در مجموعه دانش جهانی و مدنیت جهانی، حالت پیش‌ران داشته باشد و جلو ببرد؛ برای ارتقای کل بشریت، یک نردبان جدید را جلوی پای بشریت بگذارد؛ این یکی از اجزای حیات طیبه است. غربی‌ها این جور نیستند؛ بله، پیشرفت‌های مادی زیاد به دست آوردند، در این زمینه‌ها حرف‌های جدید زدند، هنوز هم دارند می‌زنند، منتها این را همراه کردند با چیزی که سقوط از این نردبان در آن حتمی است؛ بله، نردبان را جلوی بشر می‌گذارند منتها کاری می‌کنند که از این نردبان حتماً بشر سقوط خواهد کرد؛ اخلاق را فاسد می‌کنند. شما امروز ملاحظه کنید در فرهنگ غربی زشت‌ترین و شنیع‌ترین کارها دارد شکل عادی، عرفی، قانونی می‌گیرد که اگر چنانچه کسی با این‌ها مخالفت بکند، محکوم می‌شود که مخالفت می‌کند؛ به صرف اینکه انسان دلش می‌خواهد! خب، خیلی چیزها انسان دلش می‌خواهد. کار این پرده‌دری‌ها در غرب به کجا خواهد رسید؟»^۱

یکی از اتفاقاتی که علوم غربی رقم زده‌اند و به تبع ما نیز به آن دچار شده‌ایم، گسست میان پاسخگویی علم به نیازهای واقعی و حقیقی است. همان‌طور که پیش‌تر و در شماره‌های قبل اشاره شد، انسان سه دسته نیازمندی دارد: نیازهای واقعی، نیازهای حقیقی و نیازهای کاذب. کارکرد علم در پاسخ به نیازهای انسان ظهور میابد. اگر از علم در راستای نیازهای واقعی استفاده شود و نیازهای حقیقی چون عبد بودن و توجه به ساختن آخرتی آباد مورد توجه نباشد، شاهد دنیاگرایی و انحراف در به‌کارگیری علم خواهیم بود. در این صورت انسان‌ها و جامعه بشری رفته‌رفته از ارزش‌های انسانی فاصله گرفته و از رشد و تعالی بازمی‌مانند. در چنین ساختاری منافع شخصی و خواهش‌های نفسانی تعیین‌کننده به‌کارگیری دانش در رسیدن به آن خواسته‌ها هستند. این‌گونه علم برده نفسانیت انسان‌ها می‌شود. در چنین وضعیتی نیازهای کاذب پررنگ شده و بیشتر فضای ذهنی انسان‌ها را دربر می‌گیرد.

از شاخص‌های به‌کارگیری درست علم در نظر داشتن نیازهای حقیقی انسان و جامعه است. چنین علمی هم‌دوش با بهبود کیفیت زندگی مادی، معنویت و سعادت اخروی را به ارمغان می‌آورد. در این صورت هرگونه بهره‌مندی از دستاوردهای علمی با دمیده شدن روحی تازه و حیاتی نو همراه است. در مقابل غرب با تمام پیشرفت‌های ظاهری که در زمینه‌های علمی دارد در حقیقت این‌گونه نبوده و انحطاط و عقب‌ماندگی را برای جوامع بشری به همراه دارد. به

۱. دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴



همین علت نباید فریب ظاهر آن را خورده احساس یاس و ناامیدی داشت.

شایسته است در پاسداشت خون امام شهید و در بیعت با رهبر فرزانه جمعی از اندیشمندان به پاخاسته و در مبارزه با استکبار جهانی، گسست میان علم و کاربردهای علمی با حقیقت را از میان بردارند. این اقدام می‌تواند گامی مؤثر در دستیابی بشر به حیات طیبه باشد.



ظهور حقیقت در کلمه

حمیده اسدی

با نظر تامل اگر به هستی نگاه شود، سراسر آفرینش کتابی است که هریک از پدیده‌ها اثری را بر آن نهاده‌اند و در سطری نگاشته شده قابل رویتند. قلم صنع به اذن الهی و توسط وسائط ربانی می‌نویسد هر آنچه را در تقدیر کسی یا چیزی رقم خورده است و برای نوشتن خود از کلمات که همان پدیده‌ها هستند یاری می‌گیرد.

سطر می‌شود کتاب با کلمات و جریان می‌یابد رحمت و متجلی می‌گردد نور و خواننده می‌شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الشَّمْسُ وَ ضَحَّتْهَا (۱) وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا (۲) وَ النَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا (۳) وَ اللَّيْلُ إِذَا يَغْشَىٰهَا (۴) وَ السَّمَاءُ وَ مَا بَنَتْهَا (۵) وَ الْأَرْضُ وَ مَا طَخَّنَهَا (۶) وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا (۷) فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا (۸) قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹) وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰) ...

موضوع جریان حقیقت و تأثیر آن در مراتب موجودات از کلیدی‌ترین موضوعات زندگی انسان است که با کلمه و کلمات و کلام اتفاق می‌افتد. کلماتند که انسان را به عالم معنا متصل کرده و از عالم قدس مطلع می‌سازند. به همین دلیل علم به قواعد جاری در تألیف کلمات و جریان کلام در هستی و تکوین از علوم پایه محسوب می‌شود، علوم‌ی که سرچشمه علوم و حکمت‌های فراوانی است.

در این علم به این موضوع توجه می‌شود که هر موجودی به صورت کلمه خلق شده است و دارای معنا و مفهومی است و بدین صورت از مراتبی از وجود حظ و بهره دارد که می‌تواند بر اساس آن مرتبه، در هستی ایفای نقش کند.

ایفای نقش هر کلمه در ساختاری تعریف شده و تقدیر یافته امکان‌پذیر است و بدون اذن و اراده حکیم هیچ کلمه‌ای دارای معنا و مفهوم نیست و بدون اذن او فاقد هر جریانی است. در این صورت همانند الفاظی مهمل و بی‌معنا می‌ماند که نه می‌توانند متحمل حقیقتی شوند و نه حقیقتی را بفهمانند.

هر یک از کلمات به اذن الهی در مرتبه‌ای ظاهر شده و حقایق را در مراتبی ظاهر می‌کنند لذا برای فهم معنای کلمه دانستن مفهوم ظهور و بطون ضروری است. خاصیت هر کلمه و نقش آن منوط به بروزی از حقیقت است، لذا برای فهم معنای کلمه لازم است مفهوم بروز و چگونگی بارز شدن حقیقت نیز دانسته شود.

یکی از ویژگی‌های مهم هر کلمه مفهوم یافتن اثر و اثرپذیری آن در هستی است. لذا برای شناخت نقش کلمه در هستی دانستن قواعد اثر امری ضروری است. کلمه در اثر ربط با معانی به حقیقت حیات آراسته می‌شود و خود نیز وساطت این ربط را به



عهده گرفته و مفهوم ارتباط را رقم می‌زند. بر همین اساس لازم است این دو موضوع به عنوان ارکان تشکیل دهنده کلمه مورد بررسی قرار گیرد.

وجود کلمه در هستی نشان دهنده نظامی یکپارچه و هماهنگ است. لذا فضای نزول کلمات فضای یکپارچگی است. برای بررسی این هماهنگی لازم است دو مفهوم وصل و اتصال مورد بررسی قرار گیرد. کلمات در صورت تألیف حروف شکل می‌گیرند و خود با تألیف هم منجر به جریان حقایق می‌شوند بنابراین لازم است برای فهم آن به مفهوم کلیدی تألیف توجه شود. هر کلمه‌ای به نسبت خود دارای معنایی است و به اعتبار آن معنا نسبت به کلمات دیگر جایگاهی دارد. بدین ترتیب مفهوم تمام و کمال برای کلمات مطرح می‌شود. با فهم معنای کلمه می‌توان به احکام و نقش‌ها و حالات و وظایف و حقوق موجودات در قبال هم پی‌برد. در این صورت همانطور که برای خواندن کتابی قواعدی را مراعات می‌کنیم تا مفهومی به ما منتقل شود برای مطالعه هستی و یا روابط انسانی و اجتماعی و یا حتی شناخت خود از قواعد کلمات استفاده می‌کنیم.

ما سواد خواندن طبیعت و مهم‌تر از آن هستی را نداریم زیرا حرف و کلمه و قاعده ربط آنها را نمی‌دانیم و مهم‌تر از آن اینکه نمی‌توانیم آنها را کلمه ببینیم. کلمه دیدن هستی، یعنی توان خوانش آنها و درک حقیقتی که از خود بروز می‌دهند و فهم توانی که از خود ظاهر می‌سازند.

با استفاده از این فهم احکام جاری بر آنها را می‌توان دریافت و از آنها می‌توان بهره‌های اعتقادی و عملی برد. بر اساس کشف ارتباط کلمات با هم می‌توان به انتقال حقایق و نیز ابداعات جدید دست یافت. خواص پدیده را کشف کرد و تاثیر و اثر پدیده‌ها بر روی هم را دانست و آنها را واسطه قرب خود با پروردگار عالم نمود. کسی که به مشاهده کلمات دست می‌یابد عظمت هستی برایش معنای دیگری پیدا می‌کند.

متن فوق از مقدمه کتاب تدبر در کلمه است. کتاب تدبر در کلمه، کتابی است که به موضوع کلمه در هستی براساس آیات قرآن کریم پرداخته است و می‌توان در آن به گوشه‌ای از قواعد کلمه در هستی دست پیدا کرد.



چرخش آرام و پنهان در دل آسمان

کار گروه حیات

کودک که بودیم، آسمان ساده به نظر می‌رسید. زمین زیر پای مان ثابت بود، ماه هر شب از جایی بالا می‌آمد و خورشید صبح‌ها طلوع می‌کرد؛ همه چیز آرام و بی‌دردسر. خیال می‌کردیم زمین ساکن است و ماه فقط دورش می‌چرخد، مثل گوی کوچکی که به دور توپی بزرگ‌تر می‌گردد. اما جهان ساده نیست؛ بسیار پیچیده است، فقط آرام و بی‌صدا. در واقع، زمین و ماه هیچ‌کدام کاملاً ثابت نیستند. آن‌ها به دور یک «مرکز ثقل مشترک» می‌چرخند؛ این نقطه نامرئی، جایی میان زمین و ماه است، نزدیک‌تر به زمین، اما نه دقیقاً در مرکز آن. ماه به دور این نقطه می‌گردد، و زمین هم – هرچند اندک – تکان می‌خورد. حرکتی ظریف، لرزشی کوچک، چرخش آرام و دو تایی در دل تاریکی. این تصویر، نگاه ما را عوض می‌کند. جهان بر پایه رابطه‌ها می‌چرخد، نه بر محور تنهایی‌ها. هیچ جرمی کاملاً مستقل نیست؛ هر چیز، دیگری را می‌کشد و از دیگری کشیده می‌شود و تعادل، نتیجه‌ی همین کشش‌های متقابل است. و این، آغاز ماجراست. زمین و ماه با هم، دست در دست هم، به دور خورشید می‌گردند. خورشیدی که خود، مرکز شبکه‌ای بزرگ‌تر از حرکت‌هاست. حتی خورشید هم کاملاً ساکن نیست؛ او نیز در برابر کشش سیاره‌ها اندکی می‌جنبد و همراه آن‌ها در کهکشان راه می‌رود. در مقیاسی بزرگ‌تر، همه چیز هماهنگ است. زمین، ماه و خورشید در یک شبکه‌ی منظم از نیروها به هم پیوسته‌اند؛ نه هرج و مرج، نه بی‌نظمی، بلکه یک همکاری دقیق و خاموش از جاذبه‌ها. حرکتی هماهنگ، همکارانه، شبیه یک ارکستر که هر ساز، صدای خودش را دارد اما در نهایت، موسیقی واحدی ساخته می‌شود. می‌بینی جهان آن قدرها هم بی‌رحم یا آشفته نیست. بیشتر شبیه نظم‌ی عمیق است که از دل رابطه‌ها زاده شده؛ تعادل پویای نیروها، حیرت‌انگیز و بزرگ، در حال انجام است و ما هم، بی‌آنکه توجه کنیم، در دل این سامانه هم مرکز، با آن هم آواییم. چه شگفت‌انگیز است که زیر همین آسمان به ظاهر ساده، شبکه‌ای چنین دقیق و هماهنگ در کار است.

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (۵) زمر
إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۵۴) اعراف



نیت جمع ما نشر معارف قرآنی در قالبی جذاب و محتوایی
غنی است.

اگر در این راستا ایده‌ای برای بهبود مطالب نشریه به
نظرتان می‌رسد،

بسیار خوشحال می‌شویم که با ما در میان بگذارید.

<https://ble.ir/hmofidi>

